

هتشنگ بلاطم نامہ رب یوروم

ہد تبسند ادر فزا اللہ عاشنا ار شاممت و ہتشنگ بلاطم نامہ رب مینکی م یوروم کڈ زورما
نا، ددرگی م رہا ہن آ ہل ناسم و ایاضق یرادقم کڈ نوچ ... ہنیمز نیا رد رابخا و تیداحا و تاپاور
... میسری م اجک ہد مینیبی ات میدھی م ہمادا اللہ عاشد

میجرلا ناطیشلا نم للہاب ذوعا

میجرلا ن محرلا اللہ مسب

لثم مسجت ہیضق، دود ہدش ی ہییشٹ، ن وطلافا لثم شحہ رد، تسہ اقر رظن ہک یروطن نامہ
دندومرف نیہلا تمار دص موحرم ہک یروطن نامہ ہییشٹ نیا بی نژ ردق و ی لک عاضق ملع ہد ی نوطلافا
رد ام ہک دوی فلنخ بلاطم نیا، لثم و، ہییشٹ نیا مسجت تیفیک رد اہنتم ... و دوزن اسحتسا زا یلاخ
نایم زا ار اہن نیا، دراد دوجو ہک ییاهی گدھامہان نیا و اہفلاتخا نیا ہک میدرک ی عس ہتشنگ تاسلج
نیا، ردق ملع و عاضق ملع ہیضق رد ہک دوی ہدیس اجنیا ہد تسا مدای ہک ییاجن ات تبحص۔ میرادرب
روصت نامہ و ی نادتبا روصت و میراد ام ہک یروصت۔ ددرگی مرہت تباث تیعقاو کڈ ہد اہن نیا یود رہ
رد ش بیو و مکر خلا اب بخ ہک ی صاخشا ہکلب، دنتسہ ماوع دارفا ہد ہنایم عروصت زا روظنم ہک ہنایم
ہک ییہباتک زا، تسین یفاک علاطا دسری م رظن ہد علاطا بخ اہنتم، دنتسہ علاطا لہا ہنیمز نیا
نیا تقلذ زا لبق ہک تسا نیا رب روصت۔ دوشی م ساسحا روظنیا ہدش ہتشنوہ ہک ی تافیلأت، ہدش ہتشنوہ
ملاوع کڈ ہد ملع نیا شود نیا، تسا ی تاذ شود نیا شود و تسا ہدام ملع ہک ملع
رد ی بلاطم بخ و۔ دندامی مذباسد ہد اہن آ ملع نیا خنس زا اعبط ملاوع ن آ ہک دوشی م طوبرم یرگید
ناتبلاطم رد مینیبی م اہن آ دنتسہ ہفسلف و علاطا لہا ی دود ات بخ ہک ی دارفا و تسہ اجن نیا
دناہ درکنز چ ہلئسم نیا رد لاصا ہک ییہن آ ہد فیکف، تسہ ی تابارطضا

من خودم یک وقتی با یکی از فضلی مشہد صحبت می کردم، و صحبت از این بود کہ در
کیفیت خلقت نور عرض کنم کہ معصومین علیہم السلام کہ چہار ہزار سال - این خب ہمین ہا ہم البتہ
اگر بخواہیم ادامہ بدهیم خواہد آمد - چہار ہزار سال قبل از خلقت این عوالم خداوند نور ما را خلق
کرد؛ خب طبیعی است این مسئلہ از بدیہی ترین مسائل است کہ حتی الأوائل این مطلب را می توانند
ادراک بکنند کہ مسئلہ زمان دائر مدار تطور مادہ است و ہیچ ارتباطی بہ مجردات و تمثل ندارد؛ پس
این چہار ہزار سال قبل از خلقت عالم این چہ معنایی دارد؟ این چہ تصویری می شود از این کرد؟ وقتی
مادہ ای نیست، دیگر گردش ہم دیگر در او معنا ندارد، وقتی مادہ ای نیست دیگر گذشت ہم دیگر در آن
معنا ندارد، وقتی مادہ ای نیست و تطور در مادہ نیست، دیگر زمانی کہ آن زمان انتزاع می شود و زائیدہ
مادہ است، آن زمان ہم طبعاً نمی تواند معنا داشته باشد۔ یعنی انقدر مسائل بسیط ارزیابی می شود در این
قضیہ، حالا تا چہ برسد بہ این کہ اصلاً بہ مسائل قضاء کلی و امثال ذلک بخواہیم برسیم کہ آن اصلاً بہ
طور کلی خیلی از این مطالب پرت است، مسائل پرت است۔ از مطالبی کہ خدمت رفا عرض شد این
قضیہ بہ دست آمد کہ بحث بر سر قبل از خلقت این عالم و انتہایش و قبل از آن نیست این بحث، کہ
عالم فرض کنید کہ ما برگردیم بہ عقب، فرض کنید یک میلیون، دہ میلیون، یک میلیارد - ہر چہ ہست -
تا برسیم بہ یک نقطہ ای کہ حالا امروزی ہا نقطہ انفجار می گویند، نقطہ بیگ بنگ می گویند، یا این کہ
فرض کنید این اصل بہ طور کلی منتفی شدہ باشد یا یک فرضیہ دیگری بخواہد بیاید و آن حلقہ ارتباط
بین مادہ و بین غیر مادہ را می خواہد - مجرد را - می خواہد برقرار بکند؛ این بحث راجع بہ این مسئلہ،
بہ این کیفیت اصلاً طرحش معنا ندارد۔ زیرا در قضیہ قضاء الہی، صحبت از عالم کلی بہ عالم جزئی
است، نہ این کہ از عالم جزئی بہ عالم کلی۔ صحبت از این است کہ این تعین خارجی مادہ، این معلول
علت مافوق اوست، پس باید صحبت را بہ طور کلی از این جزئیات و ارتباطش با قبلش بیرون آورد و
بحث را از آن مرتبہ بالا کہ مرتبہ مبدأ اعلی است از آن جا شروع کرد کہ در آن جا چہ اتفاقی افتادہ؟

در آن مبدأ اعلیٰ چه قضیه‌ای واقع شده که این سلسله مراتب ظهور به این نحو علیت و معلولیت و تمثّل به صور مادون به این کیفیت تنازل پیدا کرده تا این عالم ماده و اعیان خارجیّه را تشکیل داده. وقتی که صحبت در آنجا می‌شود، ما اصلاً به طور کلی می‌بینیم زمینه بحث عوض شد؛ زمینه صحبت و کیفیت ورود در مطلب اصلاً به طور کلی تغییر پیدا می‌کند. در آنجا مسئله تقدم و تأخر اراده، اول چیزی که در آنجا مطرح می‌شود از میان برداشته می‌شود. وقتی که در ذات پروردگار که وجود بحث و بسیط و اطلاق است ما نگاه می‌کنیم، این وجود بحث و بسیط و اطلاق به اراده و مشیت او می‌خواهد ظهور پیدا بکند به وجود متعین و وجود متشخص و مقید خارجی. این تبدّل و این تعین و این تنزّل، و این ظهور، به چه نحو انجام شده است؟ صحبت در اینجا است. آیا به طور صدفه و به نحو اتفاق این مسئله انجام گرفته؟ یعنی بدون هیچ‌گونه علت؟ خب این طبعاً اصلاً این بطلانش ابده بدیهیات است. این تبدّل و تشخص ظهور لایتناهی که خودش قبل از تحوّل و قبل از تغیر و ظهور، خودش تشخص دارد به وجوده الشّخصی و وحدته الشّخصیه؛ این تشخص متبدل می‌شود به تشخصات لایتناهی. در این تشخص که می‌خواهد همان وجود وجود اطلاق و فیض اقدس است، نه فیض مقدس - در آن فیض اقدس که همان وجود، وجود اطلاق و وجود لایتناهی و عالم وحدت و عالم هوویت و مقام احدیت، تمام این‌ها در يك سنخ و در يك سلك این‌ها قرار دارد، وقتی که آن وجود اطلاق می‌خواهد متبدل بشود، قطعاً باید آن متأخر از اراده باشد، اراده ذات بر تنزل وجود است که موجب ظهور وجود اطلاق و انبساطی به مقام احدیت است. این‌جا را می‌گویند مقام احدیت. حالا ما کاری به اصطلاح نداریم حالا بخواهیم در این اصطلاح صحبت کنیم که خب قطعاً در اینجا هم خواهد آمد. ان‌شاءالله در قضیه مقام احدیت و کیفیت این‌ها ... خب بالاخره همه این‌ها مسائل برمی‌گردد به مسئله قضاء و قدر و چاره‌ای نیست هم که از این مسائل صحبت بشود. فعلاً به اصطلاح و کلمات کاری نداریم، فعلاً به همان حقیقت خارجیّه کار داریم. این اراده و مشیتی که این علت برای این تبدل وجود انبساطی است، وجود بسیطه و صرف الحقیقه است، صرف الحقیقه ... کلّ الأشیاء، این قضیه که مسئله مسئله اراده، این اراده آیا در آن تقدم و تأخر معنا دارد یا ندارد؟ این از اینجا ما باید بحث را شروع بکنیم. یعنی تمام افرادی که آمده‌اند و در مسئله قضاء و قدر، و عالم ... حالا دیگر برده‌اند در قضایای دیگر: جبر و اختیار و این‌ها، دیگر خب مسائل دیگر پیش آورده‌اند؛ حالا کاری ما به آن نداریم. فعلاً در همین بحث اول قضاء و قدر، وقتی در آنجا مطرح کردند از این نکته غافل شدند که اصلاً حقیقت اراده احدیت این حقیقت قابل برای تجزی هست یا نیست؟ و آیا آن اراده، اراده ثانوی و ثالث و رابع و خامسی دارد، که یکی پس از دیگری است، یا این‌که اصلاً در آنجا اراده ثانی معنا ندارد؟ وقتی که ما صحبت می‌کنیم از اراده ثانی ... آخر این قضیه باید اصلاً چیز بشود، آخر چقدر این حرف حرف عبث و بیهوده‌ای است؟ یعنی در مقام اراده اولی اراده ثانی نبوده؛ شما يك همچنین چیزی را در ذات پروردگار می‌توانید تصور کنید؟ که وقتی ذات پروردگار آن اراده و مشیتش تعلق به امری می‌گیرد، هنوز اراده ثانی نیست. نیست یعنی فاقد است. ذات پروردگار فاقد اراده ثانی است و این لازمه‌اش جهل به آن اراده و مقام است، و تترّد (...). جهل، در ذات پروردگار و نفس و بعد هم مسائل و توالی فاسدی که همینطور یکی پس از دیگری بر این مسئله مترتب می‌شود و دیگر مقام احتیاج و امکان و نفس و سقوط واجب الوجودی از واجب الوجودی و دیگر می‌رود در يك مطالب دیگر در بحث‌های دیگر. پس در اینجا وقتی که خواهی می‌فرماید که:

،داتفا ماجرد هک تسای قاسد خر غور فکي *** دومن هک فالخم شقد و می مس کع همهن نیا
دناوتی مذ نیا زا رتهد و دنکی م نایب اجنیا رد هدمآ ار تی عقاو نیع نیا ،هدزذ دوخی بد فرح
تاذ بتارمزا ی اهبتر ره رد - نادقف ،تاذ ماقم رد ایآ ،دینکی مل قعد ار تاذ ماقم امشد ی نقو هک دیوگب
ار تاذ امشد - ی اهل هو ره رد و ی اهبتر م ره رد و ی اهبتر ره رد ،میراند ی راک دینکب روصت دیهاوخب
م له و معبار و مهتلاذ و میناژ مدارا دقاق و تسای تیدحاو ماقم رد ی لوا مدارا ی اراد تاذ نیا هک دینک روصت

تیدمصد بهتر من آزا و ی دوجولما بجاو بهتر من آزا تا ذتقیقندن لاطی؟ چه دوشی من نیا. دود دهاو خ آرزو
میایم و لجم مراد من لسلسمی لیخ و ی دندب هتسدی لیخ دینییب، نیا رب انب سپ؟ دشت تسرد. رگید بلاطم و
دریگبر رارق همهر رایتخا رد ن دروخ بآ لثم لیخ ردق ماقم و عاضق ماقم تیعاو نآ مکنیا ات
میشکی ما جن آزا میراد ار ادخ، میسیونی می میراد ار ی سانشد الله باتکام: دندومرفی ما آقا مو حرم
رد دیراد ردقنا؟ دیدرگی می مچ ل ابند دیراد ردقنا! تسادخ نیا اباب! مدرم تسدی ولج میرانگی من نییاب
!تسا ناتیولج ... دینکی ما ار وا ی و جتسج بیغ

روطنیمه دراد ار ادخ هک دود نیا داریا؟ داریا نآ دود مچ دنتفرگی می دادح ی آقا مچ هک ی داریا
نیا رب رارق رگم؟ تسا نیا زار یغ رگم ناشدنیا بخ. دهدی من ناشدنیا و ار وا دروآ می دراد مد ری پی
ل فق قودنص اتمد رد و دشاب ی مد و خاشی ی دل و غ و دشاب ی لوغ کید دیا بامتد؟ دشاب نیا زار یغ هک تسا
ی ادخ؛ دناهداد ناشدنیا کانسرت ار ادخ ام ی ارب دناهدام ... میسرن، میسر ب، مینکب ش زاب ی کید و دشاب هدش
ار ی یادخ نینچمه کید هک دندراد عقوت ام زار و دناهداد ناشدنیا مچ ار نیا دناهدروا کانسرتی ادخ و فیخم
نآ رب ربیخ رد لفق کید مادکره رب و دیاهدرک ش میاق قودنص اتمد رد هک ار ی یادخ بخ. مینکب ش تسرد
ادخ نآ مچ تبسنی لاد مچ هک تسا مولعم بخ، دیناوخ می زامن و ربکا الله دیوگی می هک ی عقوم، دیاهدز
ملاو عدد ادخ، تسا قودنص رد ادخ. دیوشب مچاوم و اباب ات دینییبی مذرگید نآ تودخل باقم رد ی یادخ. دیراد
ی فرعم مدرم مچ ار ادخ میراد ام ی روطنیا؟ دینکی می تدابع دیراد ار هک؛ تسین اجنیا ادخ، تسا بیغ
م. مارحلاا مریبکت و دیوگب ربکا الله و دیناوخ زامن و مچ لاد ار ادخ نیا دییاب هک میوگی می و مینکی می
کیدزنوت مچ مداجسن آزا ادخ ی ناوخی م زامن ی راد ی تقو اباب دناهدتفگ دناهدروا عافرع و عایلوا و ناگرزب
نک تدابع رادرب ار ادخ نیا، تسا رتکیدزنوت مچ نیا زار ی امداتسیا ش یور هک ی امداجسن نیا. تسار
ش دوخ ی ارب، تسا رگید زیچ کید مداجس؟ تسیچ مداجس، نک ساسحا تدوخ دوجو رد ار ادخ روض
نییب ربکا الله و گب تقونآ، نک ساسحا تدوخ دوجو رد ار ادخ دوجو. دراد ی رگید باتک و باسد کید
دوری مذرگید ن هذ ربکا الله ی یوگی می تقو. ی راد ی یاوه و لاد مچ نییب تقونآ، ی نک می ادیی لاد مچ
هک ی یاهاجنآ رد ... هک دینکب ضررفنآ رد، اهتسدرود نآ رد، ماهقفا رد، رود نینچمه زیچ کید! هوا
... اهفرطنآ و یریشه ار رد، ماهمرا تنسآ ی لا ... میراد ام هک ی نآ ی نعید! رگید تسا نیا ... اهن اشکک
ار نآ مودخ میراد ی ه. بی لصا ی ادخ نآ زار میوشی م رود میراد ی ه؟ مچ میراد ی ه ... اجنآ دوری من هذ
ترانک من، متسه تلغن م اباب یوری می راد اجک دیوگی می. اهن اشکک نآ مچ میناشکی می و مینکی م رود
ادیب ار نم یوری می راد اجک؟ یوری می راد اجک، متسه فرطنیا نم، متسه تیولج نم، م امداتسیا
تسا هلئسم نیا. میدرگی من ناهج درگام و م ناخرد رای؟ دشت تسرد؟ ی نکب

ی لوا مدارا نآ، ش صخشم دوجو نآ و راگدرورپ تا ذ دوجو نیا ادخ هک میوگی می هک ی تقو سپ
ی تقیقندن مدارا نآ و تسا زیچ هممه و ارد مدارا نآ سفن؛ درادن ی ناثر رگید مدارا نآ، دریگی می قلعت هک
لابق، مود مدارا نیا اسب مچ، م نکب م هاوخی می ار ی بلطم کید مدارا هک ی تقو نم. بام لاثما مدارا دننام تسین
سفن نیا رد ایآ؟ دشت تسرد. مورب نوریب اجنیا زار منکی می مدارا لوا نم. مدوبذ ی وطن من مدارا رد لاصا
رد تسا نکم! هذ؟ تسا متفهزنآ رد مه دصقم مچ نقر، مورب نوریب اجنیا زار م هاوخی می هک، نم مدارا
دشابن مه تسا نکم، بتزتم ی نعید، اجنآ مورب مورب هک دشاب دصقم نآ مچ نقر نآ رد نیا مدارا نیمه
؟دیوری می اجک آقا -

مورب م هاوخی می اجک هک منیب مریگد میمصت دعد ات، نوریب مورب اجنیا زار لاعف -
؟مرخب ار زیچ نلاف مورب؟ اج نلاف مورب؟ لزمن مورب؟ مورب اجک میوگی می، نوریب میوری می
، میناژ مدارا نیا رد و مریگی می میمصت مدیسر اجنآ مچ ی تقو؟ نآ لابند مورب دراد زاینل زمن ار زیچ نلاف
هممه دانقلمی قافتا اجنآ رد هک ی لئاسم، دصقم نآ رد مورب م هاوخی می هک لاد. درادن انعم ی لوا مدارا رد
ار مادکره و متسه ی دعب ی اهدمدار نآ دقانم و تسا نامز رورم مچ جاتحم ی رگید زار سپ ی کید اهنیا
کید هک ی تقو راگدرورپ ی نعید؟ تسا روطنیمه م راگدرورپ دروم رد ایآ. منکی می لامعا ش دوخ ی اجرد

هیلک قنقد نآ و تیدحاو هبج هک دینکب ضرر ف هب ش دوخ ت قیقذ ل ژنت هک دینک ضرر ف رب دنکی مدارا
 داجیا هک دینک ضرر ف هیلک ت قیقذ کیه هک دینک ضرر ف لاد بخ ... و از ادب هک دنادی من راگدرورپ ایآ
 لاعف؟ دیآی م رد ادعب رتی نژج ت روص هچ هب هیلک ت قیقذ نیا مینیب مینک رکف مینیشنب لاد دعب، میدرک
 هیلک ت قیقذ نیا ی تقو دعب. میمهفب میناوتی من تسا دایز نامراک لاعف، نآ هب عجار مینک رکف میراندن ه لصوص
 ی تقو ار ی لک کلم نیا و ار ی لکن اویدنیا، میدرک تسرد هک ی تقو ار ی لکن اسنا نیا، میدرک تسرد ار
 ی جراخن یعت هب و ی جراخن اسنا هب دوشب لیدبته دهاوخب رگانیا، بخ مینیب مینیشنب لاد، میدرک داجیا هک
 ؟مینزب ی رتم ود دق؟ مینزب نآ هب داتفه و رتم کیه دق؟ مینزب نآ هب ی میز و رتم کیه دق؟ دشاب ی لکش هچ هب
 ... مینک روط نیا ار رگید ت ایصوص؟ مینک روط نیا ار ش گنر

هک دراندن انعم لاصا هک نیا، تسا لیطابا ل طبا نیا ... راگدرورپ تاذ ی نعی؟ تسا روط نیا
 ی فسلف ناهرب و لقع مکد هب نیا رب انب سپ. دنکب ادیب ... دهاوخب ی انعم نینچمه کیه راگدرورپ تاذ رد
 ماقم رد و ل ماعا ماقم رد راگدرورپ تاذ ی فسلف لیلد هب و ی فسلف ناهرب هب - میراندن ی نافر هب ی راک -
 ققحت و ی جراخ ققحت اجنآ رد مدارا کیه طقف اجنآ رد، دشاب مدارا هب قوبسم دیابت تیلعاف نآ هک تیلعاف
 تسرد. تسا هدوب فالنخم روص رد و فالنخم ملاوع رد عایشا قلخ بجوم مدارا نآ؛ مدرک ادیب ی نید
 نیا رب مدارا ایآ، رگید عایشا نآ تقلخ رب و عی شد نآ تقلخ رب تسا هتفرگ قلعت هک ی تقو مدارا نآ؟ دشد
 لاصا رگید لاصا بخ، تسا نیا رب رگا، دوشن ماجنا نآ ی لو دوشب ماجنا لاعف نآ هک تسا هتفرگ قلعت
 رب رخاتم ت ایصوص نآ رب و هئسم کیه رب تفرگ قلعت ش امدارا راگدرورپ تاذ هک ی تقو. هدوب مدارا
 کیه رب ابتر تم عایشا تقلخ نآ و؟ تسیچ زا ترابع نآ و مدرک ادیب ققحت اجنیا رد هئسم کیه، هئسم نآ
 قلعت مدارا تقو کیه، رما کیه رب دریگی م قلعت ناتهدارا امش تقو کیه. دراندن داریا نیا و، تسا رگید
 دریگی م قلعت دحاو مدارا نآ سفن هب رما و نآ رب مدارا سفن ی نعی اتیلوا تم؛ اتیلوا تم رما و نآ رب دریگی م
 رگید؟ دشد دهاوخب هچ ت روص نیا رد رگید رده هئسم و عاضق ملاع هئسم سپ، دشاب روط نیا رگا بخ
 ماگد ار باتک نیا هک ی تقو، دینکی م ماگد امش ار ی باتک کیه هک ی تقو؟ دشد دهاوخب هچ ت روص نیا رد
 ی تقو نیهلانمار دص، دنسیون، دنسیونب ار باتک نیا دهاوخی م هک ی تقو دنسیونب باتک نیا، دینکی م
 ،تسا ل هاج درواید باتک نیا رد دهاوخی م هک ی لئسم هب تبسن ی تقو کیه، دسیونب ار باتک نیا دهاوخی م
 هچ هب ود دلج رخا؛ ن تشون هب مینکی م عورش، بکرم رد مینزی م ار ملق، مینوگی م ار الله مسب دیوگی م
 ار ملق لاعف دیوگی م، دوشی م متخ هچ هب هک دنادی من مه اعقاو، دنادی من مه اعقاو. منادی من دوشی م متخ
 ادیب ی کیه ی کیه بلطم دعب هکنیا ات مینوگی م هحفص هسود بش ره، ن تشون هب مینکی م عورش و مینزی م
 ناسنا رگید بتک هب معجار ما، دشابن هذ رد عقوم نآ رد ی بلاطم ی تد تسا نکم رایسب هچ. دوشب
 دینکب ضرر ف هک تسا نکم، مینسین ماما هک ام، مینسین موصعم هک ام. دنکب ادیب علاطا ی بلطم کیه هب تبسن
 زا ی لیخ. دنکب ادیب ریغت رکف زرط رگید کرامد زا ی ضعب هب معجار ما، دشابن هذ رد ی بلطم کیه هک
 دنکی م قرف بلاطم، دنکی م ن تشون هب عورش ی تقو هک دنتسه اه دنسیون

و ماتتخا و دراندن دسیونب دهاوخی م اجنیا رد هک هچنآ رب ی علاطا ل و ا ههو رد سپ؟ تسرد
 میتفگ ار ی لعا ای دیوگی م، ن تشون هب دنکی م عورش، مسبق نیا هب ی کیه، دنک روصت ار ماتتخا نآ دناوتی من ار
 تسبیه هحفص هه هحفص و هحفص کیه ش اوید ش اوید، دمآ دهاوخب هچ اجنیا رد هک هچنآ هب مینک عورش و
 نآ رد بلاطم نیا و دیس اجنیا هب هئسم بخ ی لیخ دیوگی م تقون آ، دشد ماتت نیا هک نیمه ات هحفص
 و ا رد دهاوخی م هچ هک دنادی م فالوم نآ دوح، درف نآ دوح، هن ی تقو کیه، روطنیا ی تقو کیه. تسه
 ی بش تسا روبجم، دهدب هئارا هبترم کیه «دناوتی من» ی لو، تسه ش هذ رد بلاطم ی کیه ی کیه، دسیونب
 رب دنکی من ی رای ار و نامز، دراندن ناج ش تسد، دراندن تردق رتشیب، دسیونب هحفص چنپ هحفص راهچ
 ؟هچ بلاطم ماتت ... ی روطنیمه رافسا ی ود دلج باتک کیه عاسلا قلخ نامه، هبترم کیه دهاوخب هک نیا
 مدارا نآ، ت ایوتحم نیا رب باتک عاوطنانیا رب مدارا حلاطصا هب نآ تهج نآ دناوتی من. تسا ن هذ رد
 هدایپ ی ارب ناوت، دراد هک ی صقاون و تردق مدع و ی جراخ ی اهفعض هطساو هب ی لو، تسا دوجوم

میوشد اهر بر علوقه به روطنیمه، تادیهمتی ضعب لاثم به لآ، نامز تشنگ به لآ در اذ ار مدارا نآ ندرک نآ دوح اما؛ ن تشون اهنیا زا دنکب عورش، محفص مد، مات مد، مات چنپ بشد ره مکنیا ات، ولج دیایب میوشد، دوشی م متخل ناسم نیا هچ به ادعب و دوشی م عورش طخ هچ زالوا هک تسه ن هذ رد لوا زا بلاطم تشنگ به زاین نیا، دهدب هئارا معاسلا قلخ ار اهنیا دناوتی من؟ دشد تسرد؛ تسه ن هذ رد بلاطم نیا نیا دیاب ش لبقه محفص نیا هک دیوگی م دینکی م ماگن ار رخآ بلاطم نیا امش هک ی تقو؟ دشد تسرد؛ دراد، دشاب روطنیا دیاب لایق نیا دیوگی م لوا به رخآ زا دینزی م رگید محفص کب، دیشاب هتشون ار اه ش هذ رد ش دوح، دراد روضد ن لآ بلاطم مامت ه دنسیون دوح ن هذ رد اما ... ی کی ی کی ی روطنیمه، منکی م عورش ار ثحب نیا دعب، منکی م عورش ار ثحب نیا لوا: دروایب لاصا مکنیا ن ودب دنکی م بترم ن هذ رد ار اهنیا مامت ... ار میضق نآ، مروای م ار میکد ن لاف ملاک نآ، منکی م لقا ار تیاور نیا دعب کب راگدرورپ تا ذ رد؟ دشد تسرد؛ دروایب اتعد ار اهنیا درادن تردق، هداما، هدرک بترم ش دوح ایآ، نیوکت باتک فیلتا رب مدارا ایآ راگدرورپ تا ذ رد. مینک یراج اجنیا رد میناوتی م ار ی لائم نینچمه راگدرورپ تا ذ. درادن انعم هک نیا بخ؟ درادن باتک تاپوتحم رب ی علاطا هک تسه ی سک لثم مدارا نیا ایآ. دراد ار همه مدارا نآ سفن به دوشب ماجنا دیاب هک ار هچنآ مامت مدارا سفن به نیوکت باتک فیلتا رد چیه نیا رب انب سپ. تسین زجاء مه نآ؟ دروایب ی کی ی کی ی فلوم نآ لثم ار اهنآ مکنیا زا تسه زجاء زجاء مطساو به دهاوخ به کی ی دارم ره و درادن دوجو توافقتم ی اهدار نآ رد رخآت و مدقت ی ارب ی لیلد اهنیا راگدرورپ تا ذ رد نیا، دنکب ادیب ی توکت رخآت دهاوخ تا ذ ص ئاقت حلاطصا به نآ مطساو به ای کب به، مدحاو مدارا سفن به راگدرورپ تا ذ هک تسه نیا دنایم ی قاب هک هچنآ. تسه دودرم نیا؟ تسیچ به، مام معد و مدارا سفن به ار دوجو بتارم سلسلس مامت، ار ش مامت، ار دوجو بتارم سلسلس مامت، مدارا هک دینکب ضرف بهترم کب رد. دراد ار ش دوح راتا دوجو بتارم نآ زا مادکره اهنتم؛ تسه مدر و دوجو ی لائم - هک دینکب ضرف - تروص بهترم کب رد، تسه تروص بهترم کب رد، تسه انعم طقف بهترم بهترم رد دنکب ادیب دناوتی م داحتا مه اب رتلااب ملاوع کب رد مه اهتروص دوح نوچ ... بهترم کب رد، تسه ی تامسجت و ی جراختانیت و تانیتع همه اهنیا، تسه ج راخ بهترم هک بهترم کب رد. بیلک قئاقد نآ دوح هک تسه ی زیچ نآ حلاطصا به نیا. دود دهاوخ رگیدکی زا زیامت ن اش دوح ی ارب مادکره هک تسه هک زا یرایسب هک ملاسلا هیلع رفعج ن ب ی سوم تیاور رگید دینکی م ماگن میضق نیا به امش هک ی تقو اذل ... ضرف تیاور نیا هک دنا هتفگ، تسیچ شیانعم هک دنا هیمهف، ی تد دنا هدرمش دودرم ار تیاور نیا دارفا کب نیا بخ؛ میراد ار نیا، **عی شه معم ن کی م و الله ناک**: میراد همنآ زا میراد لاثم هلب. تسه دناز دینک چیه هک ی تا ذلا هیدحا و تیدحا و تیوهوه ملاع کب رد ار ادخ دنتخادنا هرابود ... **الله ناک**: هک ی زیچ و **الله ناک** نیا، بهترم نآ رد ار ادخ دنتخادنا هک ی تقو و درادن تا قولخم ریاس دوجو اب ش دوجو ی طا بتر ا ادخ زا ریغ، دودب ی کی دودب ی کی! دودب ی چیه و دودب ادخ؛ دهدی م ار ش دوح ی انعم **عی شلا معم ن کی م** ی تقو ی لو. دنکی م ادیب ق دص اجنآ رد نیا، دنتفگی م ام به ی کچوک زالوا م هک ی نامه! دودب س کچیه!

ن اک امک ن لآ او: دنیا مرفی م تر ضد مینیبی م، میسری م رفعج ن ب ی سوم تیاور به ام هک

همه ملاوع نیا هک ن لآ، تسام رظنم و ی آرم رد ی دام قلخ نیا هک ی لآ، **ن اک امک ن لآ** نیا نآ رد هک ی یادخ ی نعید؟ دهدی م انعم هچ **عی شه معم ن کی م و الله ناک** نیا رگید، تسام مشچ ی ولج رد **ن کی م و الله ناک**. دودب چیه مکنیا هذ، **عی شه معم ن کی م و** تسه ادخ نآ م ن لآ، دودب چیه و دودب ع قوم ی مامضنا دوجو و حذ به عایشا ن وکت مدع شیانعم، تسه عایشا دودب ی انعم هذ تیاور نیا ی انعم، **عی شه معم**، درادن انعم راگدرورپ رانک رد عایشا ی مامضنا دوجو! ار نیا دنمهفی من ردقنا اهنیا ار چ منادی من؛ تسه، تا ذلا هیدحا ماقم نامه ی نعید **عی شه معم ن کی م و الله ناک**؟ ار دوجو نیا دنا مدر و آ رگم ن اش هلاخ هسیک زا ی منرب ود نآ، تسه راگدرورپ تا ذ رد هک، ی هانتی لا و ی قلاطا دوجو ماقم نامه، دوجو تفارص نامه تسیود هچ، دینک روصت دیهاوخی م ار لبق لاسن نویلیم تسیود هچ، دینک روصت دیهاوخی م ن لآ هچ، دراد طا بتر ا، دیربب لائم ملاع رد ار هئسم هک دینکب ضرف لاصا هچ، دینک روصت دیهاوخی م لبق لاسن نویلیم

درادی مژد و د قلاطا دوجو نیا، دپهدب ماچنا دپهاوخی م یراگره، دینک عطقه ار قلاخ و قنلاخ نیی
 نم پچتسد همه نوایله، تسا نم تسار تسد رد بآ گنتن نیا اقا. نیا رانک، **همم نکی م و الله ناک**
 ، دشاب بآ نوایله کید شرانک رد هدوبند ییادخی نعی **همم نکی م و الله ناک**، تسا نیا رانک رد نیا، تسا
 ... هدوب هچره، هدوب تاذلا میدحا دوجو نیمه هدوب هچره؟ دیدرک هجوت، هدوب بآ گنتن نیمه هدوب هچره
 ی قلاطا دوجو ماقم رد هکی دوجو نآ، تسا تیوهوه ماقم رد هکی دوجو نآ، تاذلا میدحا دوجو نآ
! ناک امکن لااو؟ هدهد ادیپ نآ رد یریغت هچن لاا، تسا

ن، ناک امکن وه ن لااو عی شه همم نکی م و الله ناک دنیامرفی م مظاک ماما هکی نیا نیا رب انب سپ
 ن لاا و دنرگیدکی زا زیامته هکی ار یجراخ عایشا مینیبی م ن لاا میراد ام هکی، ناک امکی لعدن لاا تقیقندنیا
 رد زیامته، زیامتن نامه نیا مینیبی م هکی زیامته نیا ... زیامته هکی ار یجراخ عایشا مینکی م دههاشتم میراد
 ، میراد رگید ی ناضقه هکی! دش کی ردق و عاضقه ملعاس سپ! تسا نامه؟ دشت تسرد، تسا تاذلا میدحا ماقم
 مدحاو تقیقندن، تقیقندن کی! دش هتشاردب همه ردق و عاضقه و بآ و هویم و اذغ!! میراد ی اویم هکی؟ هچ هکی
 ، ابلق تیدحا نآ هکنیا هکی! دوجوم ن لاا تاذلا میدحا نآ، تاذلا میدحا زا تسا ترابع تقیقندن آ هکی تسا
 مینکبدر ار اهل اچمایس، میورب اهن اشکه کرد، اهب یگرد، اهاق فار، قودن سرد، اهر طرفن آ، نآ نآ نآ
 کید! هوا و اهنیا و هدوب هچ طرفن آ مینیبی و میرنگب ار همه ار اهنیا ار تارایس و ناگراتسد مذادی مذ و
 دعب و میرانگب نآ یور ار شمسار تاذلا میدحا نآ، نآ، دوشی م ادیپ ی راطع چیه هسیک رد هکی زیچ
 نآ زا ی لک عاطقنا و ی تی ای ادج میدهد راره ار نامدوخ سردن نیا رد اجنیا میروایید میناشکب ار نامدوخ
 اقا هکی ... مه رسی یا هزیچ کید، هدوب هچ اجنآ مینیبی میدرگب لاد، دوشب ادیپ ام ی ار اجنیا رد تاذ ماقم
 . تسا تباث ماقم نیا، تسا هدوب تباث راگدورپ تاذ ی ار ماقم نیا هکی تاذلا میدحا ماقم نامه! ناک
 ماسلا میلع ماما اذل. دنایم تی عقاو کید؛ دوشی م هتشاردب نایم زا، دوب دهاوخ و تسا و تسا هدوب
 نیقی هکی، دوشب هتشاردب هدرپ رگا دنیامرفی م نینمؤلاریم. **انیقی تددزا ام عاطغلا فشک و ل**: هکی دنیامرفی م
 ی لابعانج هکنیا رب میشاب هتشاردب نیقی ام مه هچره! دوشب مفاضل دیاب هکی تلاد رد. دوشی م مفاضل
 دیوبگب رگا، دیوبگی م تسار امش هکنیا رب میروخب سابع ترصد مسقا ام مه هچره، دیوبگی م تسار
 کید؟ تسیچ هلمسم، مینیبن نالز نم رد ممشچ اب میایند نم هکی تقو ات، تسه زیچ نلاف ام لزنم رد ن لاا هکی
 نیقی، ماهراد نیقی ... بوخ، مدرکن تقد بوخ نورید هدمآ دیاشد، هتقر ش دای دیاشد: ی اهرز کید، ی امدروخ
 زا هکی دینکب صرف ن لاا نم ... دشاب س و مله هکی نآ بخ ی لو، نلاف، تسا تسرد نیا میوبگی م. مراد
 اهنیا دنتسه س لجم نیا رد هکی دارفا اقا دنیوبگ هکنیا هکی زیچ دینکب صرف ی اقا، میایید هکی نورید
 ، نلاف ی اقا، نلاف ی اقا: هتشنو، رگید مدرکن مابنشا میوبگی م بخ. م هتشنو م هکی ماسا ی کید، دنتسه
 رد؛ مینکی م ادیپ نیقی تلاد و ن انیمطا تلاد دنتسه اجنیا هکی دارفا هکی تیسندن لاا نم نیا. نلاف ی اقا
 ... ی کید ی کید و مینکب افر هکی ماگن و مینشبن اجنیا میایید و مینکب زاب ار رد نم هکی دنیکی م قرف، لاد نیقی
 ای؟ تسای کید الله نیی و اننیی؟ تسای کید دهنبدنم هکی دارفا ترصد هکی نیا اب مراد ن لاا هکی لاد نیا
! مراد ن م هکی ار نیا: دیوبگی م نینمؤلاریم. تسا رگید زیچ کید نیا، هکی

هژد دوشی م هتشاردب هدرپ ی تقو هکی دسرپ ی اهرت م کید هکی ناسنا هکی دوشی م هچ؟ دوشی م هچ
 زیچ همه هکی تسا نیا زا ریغ نیا. درانگن ریثات فلتخم تلاد و د، ش دوخ س اسحا و تلاد رب ی لاقتم
 هچ، مینیبی م مراد ن لاا نم ی نعی، **انیقی تددزا ام عاطغلا فشک و ل** هکی دیوبگی م ترصد ی تقو؟ تسا تباث
 هکی نآ، بخ ی لیخ، دنا هتفگ نم هکی نیا هکی؟ دهاوخی م ار هچ! مینیبی م؟ دوشب نشور میارید دهاوخی م ار
 مسقا، مراد نیقی م هکی، هتفگ هدمآ ق دصم ق داصد، تسا ق داصد دنا هتفگ هکی نآ، تسا تسرد دنا هتفگ
 نآ، ناسنا هکی لاد نآ زاب زاب ی لو، دوشی م ماچنا و م هبوم هکی مروخی م شپور م هکی سابع ترصد
 ... دوشی م لصاد و ی ار ی شلا تقیقندن دوخ اب هجاوم رد ناسنا هکی ی تی عقوم نآ، ناسنا هکی س اسحا
 نیا اولد هکی دیروخی م مسقا و دیراد نیقی امش، دراد ار تایصوصخ نیا، تسا نیا اولد دنیوبگی م امش هکی
 دیراد ی نهذ روضد کید طقف هکی تلاد نآ اب ن اتلاد، ن اتلاد رد دیرانگی م ار اولد نآ هکی تقو اما، تسا

دنگی متوافقت مه ی لیخ، دنگی متوافقت؟ تسا کی نانتلاذ

فشک ... ن لآا هک نیا رطاخ هب؟ تسیچ لام نیا، انیقی تددزا ام: دیامرفی م نینمؤلار یما اما، دودب تمایق ملاء نامز ن آ! هلب؟ دودب تمایق ملاء دودب نینمؤلار یما هک ی نامز ن آ ی نعید؟ هچ ی نعید **عاطفلا**! اتسا تمایق ملاء ن لآا! اتسا تمایق ملاء ن لآا!

؟تسا روطچ تلاد - اهثراد ن بدیز - دیامرفی م ترضد، ربمغیپ شیپ دیآی م دیز هک ی تقو ی تفگ ن م هب هک نیا هب، منیبی م مراد **!اهیفنم و انجلا** ی رأ؟ دنگی م ضرع هچ ربمغیپ هب؟ دیوگی م هچ ن م! ی رأ؛ تسه اهنیا و تشهد و منهج تایآ ی لیخ مه ن آرق رد؛ بذ ی لیخ! دودب یاج ی تفگ امشد، امشد اجنآ ناه منیبی م مراد ار و ت الله لوسر ای ن لآا هک ی روطن امه ی نعید؟ منیبی م مراد ار هچ! منیبی م مراد مراد ن لآا هک ی روطن امه، همه باحصا، ن اشدهب، ن اشبوخ لاد و ن لاف و ی مود و ی لوا مه نیا و ی تسشن ار تقیقده، منیبی م مراد ار تیعاو، منیبی م مراد، ی رأ ن لآا مه ی روطن امه، منکی م دههاشم ار ی کی ی کی دراد هچ ن اشدهم رد هکنیا زا دنرادن ربخ دنهاتسشن اجنیا رد هک ی یاهنیا هک ی روطن امه. منیبی م مراد دراد ن لآا ی لئاسم هچ ن اشهیلک و ارفص و دیک و ش شرد، دنزی م دراد هنوگچ ن اشبلق، دنگی م ادیب ن ایرج ی رادربس کع ن آ اب دنگی م اشامت دراد هتخادنا هک دینکب ضرع هک ی سک کب اما، دنرادن علاطا دوشی م ماجنا؟ ی نیبی مندوت هک منیبی م ار ی زیچ و ترد مراد ن م هک دیوگب دناوتی م ایآ، دنیبی م ی کی ی کی دراد ن لاف و امشد هک منکی م دههاشم ار ی زیچ امشد رد مراد ن م، هظح نیمه، هظح نیمه رد! دیوگی م تسار بخ ی نیبی مندوت دودب

دیوگی م تسار بخ!

درادن نیا، ارش هاگتسد مراد ن م بخ

ن لآا اههیلک نیا هک نیا اما! میاهدنز هک مینادی م ردقنیمه، منکی مند ساسحا ی زیچ ن م دیوگی م هک ی نیا. دنیبی مند نامشچ هک ار و ت نیا، رگید تسا و ت نیا. منیبی مند هک ار نیا دنگی م راک هنوگچ دراد مادک. منیبی مند هک ار نیا، تسار تسرد ش یاجک، تسار بارخ ش یاجک، دنگی م راکچ دراد ن لآا بلق نیا ی م میراد طقف ار نیا؛ دنزی م دراد پت پت پت منیبی م طقف! هب؟ منیبی م، منیبی مند هک ار هتفرگ ش گر ن آ هب دراد، دنگی م دراد ی رادربس کع ای و دنگی م وکا ای دنگی م دههاشم دراد هک ی سک ن آ اما. منیبی ی نیبی مندوت هک، و ترد منیبی م ن م ار ی زیچ دیوگی م ضریر م صخش

دیوگی م دراد مه تسار

نیا، تسار تشهد رد نیا هک منیبی م مراد ن م: دیوگی م ربمغیپ هب دراد هثراد ن بدیز روطنیمه

... تسار منهج رد نیا، تسار نیا، تسار تشهد رد

ی نعید. دنیبی م دراد ار تیعاو، دهدی مند ربخ؟ تسرد! دنیبی مند ش دودب ی لو، دنیبی م دراد نیا ار همه ش سفن رد تسه هچره؟ تسیچ ادخ ی لو ن آ، ادخ ی لو شیپ دوری م ناسنا ی تقو ... لاد ن امه! ام ی ار ب ن ز ن ذ ق لم رگید اجنیا! اباب منیبی ت راک ی پ و ر ب و ش د ن ل ب: دیوگی م ... دناوتی م. دنگی م هاگن دراد؟ ی نکی م دروخر ب ام ای ی روطنیا ی راد ی سرپل اوحا یاج هب ک یلع و م لاس یاج هب میاهدما آقا - ار ت تاسب ن ک عمج و ر ب و شاپ و ر ب و شاپ -

هنایشا تسار د ن ل ب ار اقع هک *** هنرگد ی غرم رب ماد نیا و ر ب

ی م؟ میوگب ی هاوخی م؟ دوشی م زمرق ت گنر تقون آ مه دب ربخ ی هاوخی م! منیبی م مراد دیوگی م؟ میوگب ی هاوخی م ی نکی م ی راد راکچ هک دینکب ضرع میوگب و ت هب ی هاوخی م ی روطن نیمه، مینکب ی امرسو ی تروصو ی بآ و ش فن ب و زمرق ار هاگنر میوگب ی مند ام آقا هب! دیوگی مند، تسه! تساتود! تسین هکنیا هب، دنامی م ی روطنیمه هک لاد! دنامب! دنیب ار تناهد: دندومرف ربمغیپ

ی دارفا، دنیبی م ار منهج ن لآا دراد. دنیبی م دراد، ن لآا ار تشهد دنیبی م دراد هثراد ن بدیز سپ دراد ن اشالله لوسر ای الله لوسر ای و دنهاتسشن ربمغیپ رود رد هک ی دارفا. دنیبی م ار ربمغیپ رود رد هک

ی‌یاهن آ، دنیبیم دراد، دندقدصل‌ها هک ی‌یاهن آ. دنیبیم دراد ی‌کی ی‌کی ار همه دراد، دفاکشی‌م ار فقسد لوگ ار ربمغیپ، ربمغیپ‌ش‌پیدناهدما دننکی‌م لایخ. دنیبیم دراد مه ار اهن آ دننکی‌م ی‌زاب هقد دنداد هک ... و میدرک زاب اج هدروخ کید و میدنادنخ ار ربمغیپ هدروخ کید میتفر: دندز لوگ ار شرس، دندز مراد نم: دیوگی‌م. ی‌نکی‌م زیچ ی‌راد وت! ددنخی‌م امش ش‌پیر هب دراد وا، بابا هک دننادی‌مذ! بابا وشاپ ورب! میاهدربز ار تیوربا وت ورب! بابا نکش‌معج، ار ک‌لک و ی‌زاب هقد م‌نیبیم ت‌اهفایق‌زا؟ دشت‌سرد

هل‌عاطغلا فشک؟ هچ طقف ادخ هک ی‌کی، هشراد ن‌پ‌دیز کینیا. دنیبیم دراد ار همه ار اهن‌یا، اجن آ میورب مینک ربص، مینک ربص دیاب ام، ه‌ن‌ام؛ ه‌دش هتشارب؟ ه‌دش هچ ش‌پیارب‌عاطغ هشراد ن‌پ‌دیز هدوب ایاضق هچ! میتسنادی‌مذام هدوب اهربخ هچ! ان‌اه م‌بمغی‌م ه‌زات، دوشب‌ماجنا ل‌احترا، دوشب‌ماجنا توف‌مامت، تسه م‌دج هب، تسه م‌دج هب، تسه ن‌لاا نیمه، ن‌لاا نیمه اقا! میتسنادی‌مذام ن‌لاا نیمه، تسه منهج ن‌لاا نیمه، تسه تشهید ن‌لاا نیمه، تسه ن‌لاا نیمه، دنتگ ن‌اگرزب هک ار هچن آ، دنتسه م‌عنتم دنتسه ت‌نج رد هک ی‌دارفا ن‌لاا نیمه، دنوشی‌م باذع دنداد، ص‌خشم همه منهج دارفا ن‌لاا نیمه ن‌لاا نیمه ن‌اشن اهتروص ن‌لاا نیمه، دنکی‌م قرف دارفا تلاد ن‌لاا نیمه! تسه ن‌لاا نیمه بتسین هکنیا ه‌ن، دمغی‌مذ ش‌دوخ! دمغی‌مذ؟ تسیچ ش‌دوخ اهنتم، دنداد رارق ن‌آ رد هک ار ی‌تبعقوم‌زا و دنیا‌یی - تسه فلتخم ت‌ایاور - رقاب ماما ای‌ق‌داصد ماما، دننک زاب‌عقوم ن‌آ رگا. دمغی‌مذ ش‌دوخ رخی‌کین آ، تسه سرخی‌کینیا ت‌افرغ‌نیا رد دمغی‌م ریبی‌یا ت‌قون آ، رانک دندز ریبی‌یا ی‌ولج اهن‌یا ل‌اح! دروآی‌م رد دراد واگ ی‌ادص ی‌کین آ! مهللا ک‌یبیل ی‌اج هب دنکی‌م ر‌ع‌ر‌ع دراد ه‌دما، تسه رگید ت‌ایصوصخ و رگید ی‌اهادص و رگید ل‌ناسم ل‌اح دعب! دنتسه ش‌یاهب‌وخ

نیا ه‌ن. دشت‌چ‌یگ ه‌عقد ک‌ی، رانک دز ار هدرپ، درک **عاطغلا فشک** ار هدرپ رقاب ماما ای‌ق‌داصد ماما، دز رانک ت‌شارب ار هدرپ ه‌دما، هدوب هک ار ی‌نآ. داد ن‌اشن ریبی‌یا هب هدوب هک ار ی‌نآ! هدوب؛ درک داجیا هک ق‌ناقد ک‌ی هب دناسری‌م ار ام همه اهن‌یا؟ دشت‌سرد، درواین دوجو هب، درک داشنا ش‌دوخ‌زا، درک داجیا ... ی‌ق‌ناقد ک‌ی هب؟ میدرگی‌م میراد هچ ل‌ابند؟ ام میراک ی‌اجک. ع‌اضوا تسه ربخ هچ اقا م‌نیبیم هک س‌وملم ار هچن آ؛ ریگب ت‌ساجک نیب، ش‌ل‌ابند ل‌اح و رب هک دینک صرف، دندهب ه‌لاود، دننک ت‌رپ ار ام هکنیا ه‌ن ... هک

درکی‌م ام‌زا م‌ج‌ماج باطل‌لد اهل‌اس

ار مدرم دناهدروا اهن‌یا. دناهتفگ اهن‌یا تسه هک ار هچره اعقاو، دنک ش‌تمحر ادخ اعقاو ی‌لیخ رخ آ دنیوگی‌م! دشاب هتسب ن‌امناز! هل! دنامب رگید ... هک ی‌یاهن آ ه‌ن، دناهدرک ک‌یدزنی‌عقاو ن‌ید ن‌آ هب! ی‌وشی‌م در هچ‌زا! ی‌وشی‌م در زمرق‌طخ‌زا رگید ی‌لیخ وت

دندرک ن‌ایب ام ی‌ار ب ار ی‌عقاو ق‌ناقد ن‌آ و ار ی‌نید ق‌ناقد ن‌آ و دندما اهن‌یا ... هل!

درکی‌م انتم ه‌ناگیب، ت‌شاد دوح هچن‌او

ق‌افتا هک ار ی‌بلطم طقف هک مینک ربص دیاب ام اهنتم، تسه ن‌اسنا دوح دوجو رد تسه هچره هک ار هچن آ هب ن‌اسنا و، رانک دورب هدرپ ن‌یا، دوشی‌مذ ماجنا ی‌چی هب! نیمه، رانک دورب هدرپ، دتقایی‌م و عاضق ه‌لئسم رد ه‌نیمز ن‌یا رد هک هدوب ی‌تاسلج و اهت‌ب‌حصل‌صد ام‌نیا. دسرب تسه ت‌یعقاو و تسه، ت‌ایاور رد هدوب مه اهن‌یا بخ هک ی‌م‌ئامض و م‌ض ک‌ی هب هدرشف و ح‌ن هب زورما و میتشاد ام بخ ردق‌م‌یدرک ن‌ایب ار ه‌لئسم مه اهن‌یا

و، دیشک لوط مه زورما ه‌تبل‌ا بخ ... ادرف‌زا الله‌عاشن‌ا رگید بلطم همادا هب ت‌بسب بخ‌اما و ی‌مذ هک دناهتفگ ه‌صلاخ ن‌یا ز ش‌بید، تسه ه‌قیقت ت‌سیب ات و د رگید، دنداد ه‌زاجا ام هب رگید هک ی‌روطن آ! ه‌دیسر ه‌بیرهق هب ه‌لئسم ن‌لاا هچرگ رگید! رگید م‌بتسه ه‌جاوم ه‌بیرهق ی‌ورین اب مینک ی‌طخت رگا و. دوش رظن‌زا فلتخم ی‌اه‌نیمز رد ار بلطم همادا ادرف‌الله‌عاشن‌ا. ده‌دی‌مذ ش‌وگ ام فرد هب ی‌سک رگید ش‌م‌ئامض و م‌ض هب هک رگید ی‌اه‌زیچ روظنیمه و ی‌فسلف رظن‌زا و ی‌رظن‌افرغ ت‌ح‌ب رظن‌زا و ی‌یاور

میناوتب که میهدی من ما جانا رتشیید، هقیقد چنپ و تسید، تسید دودرد رگید بخا هتتم مینکی مضر عتسا
میسر به می هقف ثحب هب

دَمْحُمِلْ أَوْ دَمْحَمِیْ اَعْلَصَدْمَهَلْلا

تلمیذ: آن حال امیر المؤمنین در شب ضربت، که آن آرامشی بود (....)....

درادن ایاضق نیاهب یطابتر اهنیا، هذ: داتسا

....، تسه بتارم همم رد ادخاب هکی سکی نعی: ذیملت

می امشد. دییامرفب تشاددای ... اهزیچ و زج نیاه! الله عاشنا! امشچ، مینکی مضر عتسا: داتسا

امیراد تقو، ردقچ، زور تسید هدن لآ اما بابا؟ دشاب زیچ همم زورمانیمه دیهاوخ

تلمیذ:....

ابی تافانم بارطضا، دنکی منی قرف، تسانامه ملحد نیاهلب. تساتسرد، هلب هلب: داتسا
نیقی نوچ ... زا بارطضا. دینکی من ادیب بارطضا دیشاب هتسادن نیقی یرما کی هب ات امشد، درادن نیقی
فوخ زاهذم بارطضا و ... بارطضا ملحد نیاه، دتقای مقافتا دراد ایاضق هچ که دینادی م و دیراد
و نوک هامت هکتسا تیلو سفن آن هکتسا ی دام هب هقلعتم سفن عاطقنا زا بارطضا، نلاف و سرت و
می آیند زای لو سفن نیاه دراد نوچ. ادخت اقلام زا هکنیا هذ؛ نیاه زانیا، دنکی مضر عتسا دراد ار ناکم
دناسر بی دعبی لو هب ملهسار آن هک درادی م هگزار آن دراد نیاه، دوشی مور و ریز دراد ملهه همم، دور
بارطضا راچد و بلاقنا راچد و سفن هکتسا ملهه رد تلاوحت و ریغت، نیاه یارب نیاه؟ دیدش هجوت
لااح. درادن نیموملاریما هب صاستخا، دتقای مقافتا شتوف زالبقی ماماریه یارب نیاه و دوشی م
ادعبار شرتشیید ایارش حیضوت